

رب اشرح لی صدري و یسرلی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی .

در مسئله خمر دو تا مسئله مبتلا به و مشکلی هست و اصلاً باید بگوییم خمر خیلی اهمیت ندارد و این دو تا مسئله خیلی اهمیت دارد.

یکی مسئله الکل صنعتی، الکل طبی، آیا اینها نجس هستند یا نه؟ آیا خوردن اینها حرام است یا نه؟

این مسئله معلوم است در میان قدماء نبوده در میان متأخرین نبوده حتی مرحوم سید در عروه هم مسئله را متعرض نشده‌اند مثل این که آن وقتها هم الکل صنعتی و الکل طبی نبوده است و این مسئله تازه پیدا شده از مسایل مستحدثه است اما خیلی مبتلا به است الان، الکلهای صنعتی که درها را پنجره‌ها را رنگ می‌کنند و خیلی کار از آن می‌آید الکل‌های طبی هم همین‌طور است، اصلاً باید بگوییم که طب متوقف بر این الکل‌های طبی است.

مشهور در میان محشین بر عروه آن کسانی که به طور فضلكه مسئله را متعرض شده‌اند یا در رساله‌ها مشهور در میان اینها این است که نجس است، خوردنش هم حرام است هم الکل صنعتی و هم الکل طبی و اقوال رسایی از بزرگان هم این است که الکل صنعتی الکل طبی پاک است و خوردنش هم حتی اشکال ندارد بعضی‌ها هم تفاوت گذاشته‌اند بین خوردن، گفته‌اند خوردنش حرام است اما پاک است،

این مسائل یکی موضوعی است و یکی هم حکمی.

الکل صنعتی یا الکل طبی چیست؟

بعضی گفته‌اند این جوهر شراب است همین‌طور که عرق جوهر شراب است و خوردنش حرام است و نجس است و مثل شراب است این هم این جور است برای این که نظیر این که گلاب می‌گیرند از گل، و بخار آن گل‌ها برمی‌گردد در یک ظرفی و گلاب می‌شود این‌جا هم این شراب را با دستگاهی به جوش می‌آورند و آن بخار می‌شود آن بخار می‌رود بالا در همان ظرفی که هست و به صورت الکل برمی‌گردد در یک ظرفی مثل همان گلاب این هم جوهر شراب است جوهر خمر است پس بنابراین مثل شراب است خوردنش حرام است.

مرحوم آقای خویی می‌خواهند رد کنند این را می‌گویند خب این اگر جوهر خمر باشد خب استحاله می‌شود وقتی استحاله شد باید بگویید که پاک است باید بگویید که خوردنش هم اشکال ندارد همین‌طوری که اگر بول استحاله شد مثلاً بخارش رفت بالا و به صورت آب برگشت خب آن آب پاک است در حالی

که این آب همان جوهر بول است اما پاک است می‌فرماید بنابراین اگر آن جوهر شراب باشد به استحاله پاک است و باید بگوییم الکل صنعتی الکل طبی پاک است لذا مثلاً در حمام، حمام که صحنش نجس است بخار زیاد شد بخارها رفت بالا و به صورت آب چکه چکه برگشت آن آب‌ها پاک است استحاله است پاک است این‌جا هم همین‌طور است به قول آقای خویی اگر ملاقات با نجس با منتجس نکرده باشد این بخار شراب است و بخار شراب برگشته بنابراین استحاله است و از جمله مطهرات استحاله است.

ایرادی که به مرحوم آقای خویی هست این است که بله استحاله است اما اگر جوهر خمر باشد و خود این مسکر باشد خب همین که استحاله هم شده باز مسکر است وقتی مسکر شد هم نجس است هم حرام است الا این که مثلاً آقای خویی بگویند که این شراب بخارش وقتی برگشت و آب شد دیگر مسکر نیست و الا اگر بگویند مسکر است دیگر نمی‌توانند تشبیه کنند به بول و بخار بول، خود این موضوعیت پیدا می‌کند کل مسکر حرام که سابقاً خواندیم خب اگر این مسکر باشد ولو جوهر خمر باشد حتی مثلاً اگر جوهر آب هم باشد آب را یک موادی به آن زده‌اند آب رفت بالا برگشت به صورت الکل اما مسکر شد کل مسکر حرام کل مسکر نجس که دیروز خواندیم خب این هم می‌شود مصداق کل مسکر نجس، کل مسکر حرام لذا فرمایش مرحوم آقای خویی مسئله را حل نمی‌کند مگر این که کسی بگوید که زمزمه در کلمات مرحوم آقای خویی هست این که کل مسکر حرام این را دلیل داریم اما کل مسکر نجس دلیل نداریم اگر کسی این جور بگوید و از آن روایت دیروز و آن روایات چند روز قبل را آن روایات تنزیلی را صرف نظر بکند آن یک مسئله دیگری می‌شود و اما اگر شما گفتید کل مسکر حرام کل مسکر نجس تدل علیه الروایات حالا این الکل اگر مسکر باشد خب بله این هم نجس است و هم حرام اگر مسکر نباشد نجس نیست حرام هم نیست آن وقت فرمایش آقای خویی درست در می‌آید این که استحاله شده بخار شراب است و برگشته این بخار شراب دیگر نه مست کننده است و خوردنش حلال است، خوردنش حلال است می‌گویند مثلاً اگر آب زیاد در آن بکنند این را می‌شود خورد و می‌گویند هم اهل شراب همین کار را می‌کنند الکل‌های صنعتی را می‌گیرند آب می‌ریزند توی آن و می‌خورند پدر خودشان را در می‌آورند یا هوی و هوس خودشان را آرام می‌کنند ارضاء می‌کنند لذا روی این که این کل مسکر حرام اگر این مسکر باشد ولو این که در روایات هم داریم که نبیذ را شراب را یک ظرف کوچک شراب می‌ریزند در یک قده آب خب حضرت فرمودند که هم قده آب نجس است هم خوردن این حرام است علی کل حال فرمایش آقای خویی مسئله را حل نمی‌کند.

بعضی گفته‌اند که همین جور هم هست این که الکل صنعتی، الکل طبی اصلاً از شراب نیست این بخار شراب این نه این خیلی کم است یا نیست اصلاً، و این الکل‌ها مثلاً الان در فولاد مبارکه خب یکی از کارهایش تن تن الکل ساختن است این که از شراب نمی‌شود باشد می‌گویند اصلاً از چوب است الکل صنعتی الکل طبی همه این‌ها از چوب است از چوب درست می‌شود آن وقت اگر این باشد دیگر اصلاً مسئله سالبه به انتفاء موضوع است باید مسئله را ببریم روی این که این آیا مسکر است یا نه؟ و الا اگر از چوب باشد و موادش از چوب باشد که همین جور هم هست دیگر خواه ناخواه جوهر چوب است و از چوب درست می‌شود و اصلش پاک است خود الکل صنعتی خود الکل طبی هم پاک است.

بعضی‌ها گفته‌اند که این مسکر است گفته‌اند این که لازم نیست که این چیزی را که مسکر باشد از انگور بگیرند بسیاری از این شراب‌هایی که درست می‌کردند و درست می‌کنند از سیب‌های گندیده و میوه‌های گندیده و امثال این‌ها، نبیذها که آن وقت درست می‌کردند از خرماهای گندیده و بالاخره از این‌ها

و وقتی چنین باشد دیگر اگر مسکر باشد از هر چیزی می‌خواهد گرفته شده حالا ولو چوب و می‌گویند این مسکر است و می‌گویند این کسانی که شراب گیرشان نمی‌آید از همین جهت هم مثلاً الان در مغازه‌ها در داروخانه‌ها می‌گویند که لازم نیست از انگور باشد خیلی چیزها از انگور نیست اما مست کننده است لازم نیست از کشمش یا خرما باشد خیلی چیزها مثل همین الکل از چوب است اما مست کننده است سمی هم نیست بعضی می‌گویند یک مواد سمی به آن می‌زنند که کشنده است می‌گویند نه سمی نیست این اگر مثلاً یک شیشه را چهل تا شیشه کند که می‌گویند اهل شراب همین کارها را می‌کنند می‌گویند خب این 40 تا آب ریخته‌اند در آن یک در چهل همه این‌ها مست کننده است اولش اگر می‌خورد می‌کشت برای این که جوهر شراب است و جوهر شراب کشنده است لذا برای این که مست بشود و نمیرد 40 برابر آب در آن می‌کنند لذا مست کننده است.

اما اشکالی که هست این است که این مست می‌شود یا مواد مخدر است و بنگ می‌شود؟ کدام است؟ این که این بر گردد حتماً مست می‌شود مستی با بنگ شدن در کما رفتن یا در نصف کما رفتن غیر از این است که این مست بشود مستی مربوط به غریزه جنسی است و این مربوط به مغزش است مغزش یک انفعالات پیدا می‌کند این نظیر در کما خیال می‌کند این مست است، بنگ است خب اگر این باشد شکش هم برای ما بس است یعنی ولو این که افرادی که وارد این قضایا هستند و می‌گویند همه این الکل‌ها از چوب است ولی چون مست کننده است نجس است حرام است، ما می‌گوییم فرق است بین این که مست بشود یا حالت مستی، شبیه به مستی که نظیر کما این جوری بشود نمی‌دانیم کدام است وقتی ندانستیم کدام است قاعده طهارت می‌گوید پاک است قاعده حل می‌گوید حلال است هم خوردنش حلال است اگر مضر نباشد هم پاک است حالا خوردنش که مربوط به فسقه و فجره است و مربوط به ما نیست این که الان خیلی مبتلا به است نجس است یا نه؟ نمی‌دانیم، می‌دانیم از چوب گرفته شده جوهر شراب نیست تا مرحوم آقای خویی بگویند استحاله و ما ایراد بکنیم، از چوب است از چوب گرفته شده مست کننده هست یا نه؟ آن کسانی که می‌سازند می‌گویند مست کننده است ما به آنها می‌گوییم مست می‌کند یا بنگ می‌کند؟ خب بعضی اوقات انسان بعضی از دواها بعضی از غذاها را هم می‌خورد یک حالت بنگی پیدا می‌کند، لذا نمی‌دانیم چیست این یک حالتی برایش پیدا شده شبیه حالات مستی نمی‌دانیم آیا این مست است یا بنگ است؟ همین جور که آن چیز سرش نمی‌شود این هم چیز سرش نمی‌شود این وضع کدام است؟ خودش را که نمی‌شود خورد باید آب بریزند توی آن همین طور که می‌گویند 40 برابر تا بشود مست کننده، می‌گوییم نه، 100 برابر هم آب توی آن بریزند بنگ کننده است نه مست کننده و فرق است بین مستی و بنگی اگر هم ندانیم کل شیئی ظاهر می‌گوید حلال است بعضی از اطباء هم متخصصین هم گفته‌اند همین را، که من سوال کردم که آیا این مست می‌کند یا بنگ می‌کند؟ بعضی گفته‌اند نمی‌دانیم بعضی‌ها گفته‌اند نه اصلاً مستی مربوط به شهوت و غریزه جنسی است و این جورها نیست علی کل حال حقیقتش را نمی‌دانیم ولو این که می‌دانیم راستی الان می‌دانیم که در همین فولاد این جا تن تن درست می‌شود موادش را هم می‌دانیم از چوب است با آن دستگاه کذایی آن جوهر چوب را می‌گیرد نه جوهر شراب را جوهر چوب را می‌گیرد و می‌شود الکل صنعتی یا الکل طبی نمی‌دانیم چیست خب این هم این جا مطلب تمام شد، بنابر این بر می‌گردد به این این الکل صنعتی الکل طبی از هر چه گرفته بشود اگر مست کننده باشد خب آن ادله کل مسکر حرام کل مسکر نجس می‌گوییم نجس است حرام است از هر چه گرفته باشند و اما اگر ندانیم که مست کننده است یا نه؟ چون که تخدیر، مواد مخدر، هرئین‌ها شیشه‌ها

همین حالت را به سر این‌ها می‌آورد و می‌گویند نمی‌دانیم آیا مثل این کسی است که مواد مخدر استعمال کرده و یک حال مستی، اما آن مستی شهوتی نیست یک بنگی است برایش پیدا شده.

این الکل طبی الکل صنعتی بعد از آن که آب ریختند توی آن نمی‌دانیم آیا مثل هروئین می‌بیند یا مثل شراب می‌بیند؟ همین مقدار که ندانستیم هم اصاله الحل دارد هم اصاله الطهاره.

مرحوم آقای خویی دو تا مطلب دیگر دارند این دو تا مطلب را ببینیم چیست؟ ایشان می‌فرمایند اصلا این کل مسکر حرام این آن چیزهای متعارف را می‌گوید و اما چون که شرب الکل صنعتی الکل طبی چون متعارف نیست ادله انما الخمر و المیسر و الانصاب و الا زلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه این را نمی‌گیرد بنا بر این الکل صنعتی، الکل طبی بلکه ایشان یک قدری پا را بالاتر می‌گذارند می‌فرمایند که هر مست کننده‌ای که متعارف نباشد این هم پاک است هم خوردنش اشکال ندارد. این فرمایش اولشان است.

ولی هیچ کس در فقه نمی‌تواند این را ملتزم بشود این که مواد نادره را بگوییم که ادله آن را نمی‌گیرد برای این که هر چیزی از نجاسات این مواد نادره دارد و ما بخواهیم بگوییم دلیل مواد غیر متعارف را نمی‌گیرد یک فقه جدیدی لازم می‌آید باید بر گردد به این که همه روایات راجع به این 12 نجس آنجا هست که متعارف باشد غیر متعارف را ادله نمی‌گیرد و هیچ کس نگفته خود آقای خویی هم نمی‌توانند ملتزم بشوند که ادله‌ها مربوط به متعارف است اگر این حرف را بتوانیم در فقه درستش بکنیم خب خیلی چیز درست می‌شود در باب نماز در باب روزه، روزه برای کسی واجب است که متعارف مردم بگویند که این باید روزه بگیرد و اما اگر غیر متعارف شد مثل دختر 9 ساله یا پسر 10 - 15 ساله که نمی‌تواند این غیر متعارف است اما حالا توی ماشین نشسته و دارد می‌رود و مثل عموم مردم دارند زیارت می‌روند اما موقع نماز پا نمی‌شود نماز بخواند حالش را ندارد وضو گرفتن برایش مشکل است بگوییم که همه ادله از واجبات از محرمات از مستحبات این‌ها مربوط به افراد متعارف، متعارف در میان مردم است، اگر غیر متعارف شد دیگر روایت‌ها شامل آن نمی‌شود لازمه‌اش مثلا این است که در روایات دیروز خواندیم خمر قلیله و کثیره حرام است نجس هم هست لذا مثال می‌زنند فقهاء خود مرحوم آقای خویی یک قطره چکان خمر روی زبان خب این نه مست کننده است پیش این شراب خوارها هم غیر متعارف است دیگر یک قطره چکان دو تا قطره چکان روی زبان خب نمی‌شود که گفت مسلم به قول روایت دیروز خواندیم چیزی که کثیره حرام قلیله حرام لذا در روایات می‌خوانیم اگر یادتان باشد می‌فرمود که یک میل سرمه دان بزن توی نبیذ آن میل را بزن توی یک قدح آب حضرت فرمودند قدح دیگر خوردنش حرام است نجس هم هست مگر یادتان نیست همین روایت‌ها را مرحوم آقای خویی نقل کردند روی آن فتوی دادند لذا این فرمایش ایشان که مسلم درست نیست یعنی اصلا نمی‌شود در فقه ملتزم شد که احکام اسلام روی امور متعارف است امور غیر متعارفه را احکام اسلام نمی‌گیرد من ظاهراً ندیدم که کسی حتی آقای خویی ملتزم به این حرفها بشود اما این‌جا دو سه جا هم تکرار می‌کنند مرحوم آقای خویی تعجب هم هست دو سه‌جا ایشان تکرار می‌کنند می‌فرمایند ولو مسکر است اما چون که شربش غیر متعارف است طوری نیست، بگوییم که خب خودتان چند روز قبل گفتید یک قطره چکان شراب روی زبان، هر چه غیر متعارف شما فرض کنید برای این که همه چیز متعارف دارد غیر متعارف دارد تمام واجبات متعارف دارد غیر متعارف دارد تمام محرمات متعارف دارد غیر متعارف دارد همه فقهاء می‌گویند که اگر چیزی

حرام شد دیگر متعارف و غیر متعارف ندارد همه‌اش حرام است حالا ما این‌جا بگوییم که الکل مست کننده است اما چون که متعارف نیست شربش هم پاک است هم خوردنش حلال است.

مطلب دوم انصراف است خیلی شباهت دارد به همین دلیل می‌فرمایند که ادله انصراف دارد از موارد نادره و در این جا این جور است انما الخمر و المیسر و الانصاب و الا زلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه این انصراف دارد از الکل و این مختص به خمر است و لفظ هم که انما الخمر است آنها هم که اضافه شد دیروز روایت خواندیم که خمر را در قرآن خدا حرام کرده پیامبر اکرم کل مسکر را اضافه کردند به انما الخمر می‌فرماید این انصراف دارد از مثل الکل .

خب این هم به ایشان می‌گوییم همین انصراف را شما قبول ندارید هیچ کسی قبول ندارد . انصرافی که گفته‌اند حجت است انصرافی که از حاق لفظ باشد یعنی مثلاً می‌گویند آب، آب گل را نمی‌گیرد گلاب را نمی‌گیرد می‌گویند برای این که لفظ تاب این که آب این لفظ آب، آب گل را و آب میوه و آب مضاف و این‌ها را بگیرد لفظ تاب این معنا را ندارد بلکه لفظ را وضع کرده‌اند برای الماء المطلق یعنی من غیر اضافه به این می‌گویند انصراف از همین جهت هم می‌گویند که مایعات همه همه آب بر آن صادق است اما آب مطلق نه، آب مضاف بنابر این این لفظ ماء از آن انصراف دارد اما یک دفعه لفظ انصراف ندارد از نظر لغت آب می‌گیرد اما نادر است مثلاً مثل الان در اصفهان آب دریا آب است اما اگر گفت آب برای من بیاور خب نمی‌تواند که یک مقدار آب دریا بیاورد آب شور بخورد می‌گویند این انصراف، اسمش را می‌گذارند انصراف بدوی یعنی وقتی که لفظ را می‌گوید انصراف پیدا می‌کند به آب مشهور اما یک قدری فکرش را بکند می‌بیند اللفظ الماء هم آب مشهور متعارف را می‌گیرد هم غیر متعارف را به این می‌گویند انصراف بدوی و با فکر این انصراف بدوی از بین می‌رود اسمش را می‌گذارند قدر متیقن گیری و می‌گویند قدر متیقن گیری خب جایز نیست ما از اطلاقات قدر متیقن بگیریم خب این فرمایش مرحوم آقای خوئی هم همین است می‌گوییم آقا فرد نادر است الکل خوردن الکل فرد نادر است اما نظیر آب دریاست آن کل مسکر آن را می‌گیرد اما نادر است مخصوصاً این که کل مسکر هم داشتیم اطلاق نمی‌خواست مقدمات حکمت جاری کنیم کل آمده سر مسکر هر مسکری را می‌گیرد متعارف باشد غیر متعارف باشد خوردنش متعارف باشد یا نباشد فرد نادر باشد یا نباشد قلیل باشد یا نباشد این کل آمده این مسکر را تکثیر کرده روی همه افراد متعارف و غیر متعارف، نادر و غیر نادر.

لذا این فرمایش مرحوم آقای خوئی هم درست نیست نمی‌توانیم غیر متعارف را بیرون کنیم این دو تا دلیل هم تقریباً یک قدری فکرش را بکنیم به یک دلیل بر می‌گردد هر دو بر می‌گردد به این که آن اطلاق لفظ فرد نادر را نگیرد در حالی که مسلم در فقه ماست فرد نادر را می‌گیرد انصراف بدوی است ، انصراف بدوی حجت نیست آن انصرافی حجت است که این جور باشد که این الکل مسکر نباشد آن وقت آن لفظ کل مسکر آن را نمی‌گیرد اما فرض ما این است مسکر است وقتی مسکر شد فرد نادر می‌شود نادر شد، عام است اطلاق یا عام آن را می‌گیرد.

این‌ها که می‌گوییم آقای خوئی جاهای دیگر من من نکردند حسابی حرفش را زدند و آنچه که من می‌گویم آقای خوئی هم جای دیگر فرموده‌اند و همه فقهاء حالا این جا می‌خواهند این الکل طبی و الکل صنعتی را پاک کنند دیگر افتاده‌اند توی این ادله‌ها و این جوری مثنی فرموده‌اند،

فتلخص مما ذكرناه این که الکل طبی الکل صنعتی نه فقط پاک است اگر بشود خورد خوردنش اشکال ندارد و این که گفته اند مست می کند ما نمی دانیم آیا مستی است یا نه؟ همین مقدار که نمی دانیم از اهل فن هم می پرسیم نمی توانند جواب بدهند دیگر شک ما اصاله الطهاره را جلو می آورد . این مسئله اول.

مسئله دوم که دیگر می خواستم امروز متعرض بشوم مسئله دوم آن هم خیلی مبتلا به است این که انگور یا خرما یا کشمش اگر این ها جوش بیاید وضعیت چیست ؟ لذا می گویند عصیر العنبی، عصیر به آن می گویند یعنی آب انگور نیست جوش آمده آیا وضعیت چیست؟ خیلی مسئله را مشکل کرده اند ده بیست صفحه هم در این باره صحبت شده و خلاصه عرض ما این است که عصیر عنبی عصیر زبیبی عصیر تمری همه این ها پاک است الا این که عصیر عنبی خوردنش حرام است مگر این که تلتان بشود یعنی آن آب بجوشد کم کم شیره بشود اما در عصیر تمری و در عصیر زبیبی این هم لازم نیست بنابراین مثلاً کشمش را بریزند توی آتش حسابی هم جوش بیاید این خوردنش حلال است نجس هم نیست اما عصیر عنبی خوردنش حرام است اما پاک است بنابراین مثلاً سرکه می اندازند وقتی جوش آمد این خمره سرکه حرام است خوردنش چشیدنش هم حرام است تا این عصیر عنبی این انگورها سرکه بشود یا این که وقتی می پزند دو تلتان برود و شیره بشود آن وقت خوردنش حلال است اما در آن وقتی که جوش می آید چه سر خمره چه در دیگ وقتی جوش می آید نجس است یا نه؟ ما می گوئیم پاک است. دیگر مسئله اش انشاءالله اگر عمری باشد شنبه 15 فروردین، 15 روز بی خودی تعطیل.

وصلی الله علی محمد و آل محمد